



بررسی وضعیت قوانین تأمین اجتماعی در خصوص اشخاص معلول

نویسنده: ناهید شید - وکیل پایه یک دادگستری

در اجتماعات بشری افراد با وضع و حال متفاوت در کنار یکدیگر زندگی می‌نمایند این تفاوتها به گونه‌های مختلف تجلی می‌کند. ملموس‌ترین آنها فرق آشکار بین افراد سالم از حیث اعضاء بدن و افراد معلول است. سالم مفهومی گسترده و عام است که در وهله اول به ظاهر حکم می‌کند یعنی انسانی که از حیث ظاهری عیب و نقصی ندارد و به قولی چهار ستون بدنشان فاقد نقص است، سالم است در صورتیکه ممکن است از حیث قوای دماغی دچار اختلال باشد.

لکن آن گروه از افراد اجتماع که از حیث ظاهر با مفهوم عام آن ناسالم به نظر می‌آیند، و از قوای دماغی سالمی برخوردارند را به دلیل نقص بعضی از اندامها دچار محدودیت می‌شوند منظور محدودیت فردی و شخصی نیست بلکه محدودیت‌های اجتماعی است که مهمترین آن در حق اشتغال تجلی می‌کند.

حق کار کردن و حمایت در مقابل خطرات ناشی از کار و خصوصاً پیری از جمله حقوق مسلم هر فردی است و اصل بیست و هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالحی عمومی و حقوقی دیگران نیست برگزیند، دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. و اصل بیست و نهم تصریح دارد که برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تأمین کند».

پس اصل برحق کارکردن برای کلیه آحاد ملت فارغ از وضع اندامهای جسمانی آنها و نیز حق برخورداری از حمایت‌های بیمه‌ای در مقابل فرآیندهای خارج از حیطه اقتدار بشری است که به ضرورت در دوران مختلف عمر پدید می‌آید.

افراد اجتماع از حیث اشتغال چند گونه‌اند:

۱- کارمند دولت هستند که در این صورت قوانین استخدام کشوری آنها را مورد حمایت قرار می‌دهد.



همایش حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی

۲- کارمند مؤسسات عمومی هستند که طبق قوانین خاص حمایتی از مزایای مربوطه بهره‌مند می‌شوند.

۳- کارگر هستند که به موجب قوانین کار و تأمین اجتماعی روابط اشتغال و حمایت آنها تنظیم می‌گردد.

۴- کارفرما هستند که به اختیار خویش از طریق قوانین حمایتی در زمره خویش فرمایان و کارفرمایان حمایت می‌شوند.

قوانین حمایتی درخصوص گروه‌های مختلف در اجتماعات با رعایت احوال افراد سالم و فاقد معلولیت‌های جسمانی تدوین گردیده است و آن گروه از افراد جامعه که از حیث سلامت اندامهای بدن دچار معلولیت هستند در بسیاری از موارد حقوق فردیشان تحت الشعاع قرار می‌گیرد و این در حالی است که اصل برابری کلیه افراد در برابر قانون است.

همانگونه که آمد، اصل ۲۹ قانون اساسی برحمایت کلیه افراد ملت تأکید دارد و بند ۲ اصل ۴۲ نیز بر تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند در شکل تعاونیها و ... تأکید دارد و این می‌رساند که دولت وظیفه‌ای دارد مناسب با کارآیی افراد تا زمینه اشتغال را فراهم آورد و این افراد اعم هستند از افراد دارای اندامهای بدنی سالم یا افراد دارای اندامهای بدنی ناسالم که به تناسب وضع خویش قادر به انجام کاری هستند.

با ذکر این مقدمه به معضل اشتغال و حمایت معلولین خصوصاً جسمی و حرکتی که خارج از دایره اصول ۲۸ و ۲۹ و بند ۲ اصل ۴۲ به عنوان آحاد جامع هستند می‌پردازیم.

معلولیت بر سه نوع است: معلولیت جسمی و حرکتی ناشی از نقص عضو، معلولیت جسمی و حرکتی ناشی از بیماری و معلولیت ذهنی و روانی.

در هر جامعه‌ای معلولین در صدی از قوای کار جامعه را به خود اختصاص می‌دهند و اگر به این مهم توجه شود که افراد دارای معلولیت‌های جسمی هر یک در زمینه‌های خاص توانایی دارند و می‌توانند با ممارست به مهارت برسند گامی قابل توجه در بعد توسعه اقتصادی برداشته می‌شود. زیرا دیگر معلول کل بر اجتماع نیست بلکه سازنده، تولید کننده و خلاق است که می‌تواند خود و افراد وابسته به خود را از حیث معیشت اداره کند و در نتیجه این گروه خاص که شاید و می‌شود گفت اغلب زیر خط فقر به حیات



حمایت حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی

خود ادامه می‌دهند خط فقر را پشت سر گذارده و در عین اینکه از مواهب اجتماعی بهره‌مند می‌شوند خود نیز جامعه را بهره‌مند می‌سازند که مهمترین آن عدم نیاز وی به دیگران و ارائه خدمات و فن آوری در حد توان به جامعه است آنچه در مورد معلولین حسی و حرکتی بیشتر جلب توجه می‌کند توانا سازی آنان است این توانا سازی از تقویت حس اعتماد به نفس و توانستن شروع و با ارائه خدمات توان‌بخشی و بهره‌گیری از وسایل کمک پزشکی از قبیل پروتز و اورتز تحقق می‌یابد.

افرادی که بر اثر حوادث و سوانح و یا بیماریها دچار معلولیت‌های جسمی می‌شوند نیز با دسته بندی از حیث سن و قدرت فراگیری، قابلیت تربیت و بهره برداری بهینه از سایر اعضا را با استفاده از وسایل کمکی در صورت ضرورت و یا بدون استفاده از این وسایل می‌یابند.

مهمترین نیاز هر فرد در جامعه تأمین معاش است که حاصل نمی‌شود مگر با داشتن کار و حرفه‌ای که از محل آن کسب در آمد کند و قوانین حمایتی از وی و اشتغال وی در حال آینده حمایت نماید.

قوانین موجود براساس سلامت افراد تدوین گردیده است و وضع خاص معلولین مورد توجه قرار نگرفته است این نقص در قانون کار به عنوان قانون تنظیم کننده روابط کارگر و کارفرما و قانون تأمین اجتماعی به عنوان قانون حمایتی شاغلین در بخش خصوصی و نیز قانون استخدام کشوری و سایر قوانین خاص حمایتی دیده می‌شود و هیچ یک از فصول قوانین مذکور به وضعیت اشتغال معلولین توجهی نکرده است که لازمه آن وجود فصل خاصی در قوانین مربوطه برای حمایت از این قشر می‌باشد.

در ماده یک قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۵۴ و اصلاحیه‌های بعدی آن می‌خوانیم که «به منظور اجرا و تعمیم و گسترش انواع بیمه‌های اجتماعی و استقرار نظام هماهنگ و مناسب با برنامه‌های تأمین اجتماعی ... سازمان تأمین اجتماعی تشکیل گردیده است.

همانگونه که از مفاد قانون فوق الذکر برمی آید وظائف سازمان تأمین اجتماعی عام و گسترده است و بر تعمیم و گسترش انواع بیمه‌های اجتماعی که بیمه معلولین نیز از جمله آن می‌تواند باشد تأکید دارد ولی متأسفانه در متن قانون نه تنها حمایتی از این قشر دیده نمی‌شود بلکه با محدودیت‌هایی نیز روبرو هستیم و علناً معلولین اجتماع نادیده گرفته شده‌اند و تمامی حمایت‌های بیمه‌ای بر مدار افراد سالم و فاقد نقص عضو دور می‌زند.

براساس بند یک ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی «بیمه شده شخصی است که رأساً مشمول مقررات تأمین



همایش حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی

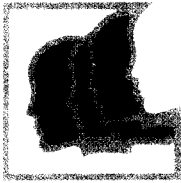
اجتماعی بوده و با پرداخت مبالغی به عنوان حق بیمه حق استفاده از مزایای مقرر در قانون را دارد.

در این جا اطلاق شخصی، اطلاقی عام است و کلیه اشخاص اعم از معلولین را در بر می‌گیرد.

در ادامه ماده بندهای ۱۳ و ۱۴ در باب از کار افتادگی دو تعریف کلی و جزئی دارد بدین قرار که از کارافتادگی کلی عبارت است از کاهش قدرت کار بیمه شده به نحوی که نتواند با اشتغال به کار سابق یا کار دیگری بیش از ۱/۳ از درآمد قبلی خود را به دست آورد و از کار افتادگی جزئی عبارتست از کاهش قدرت کار بیمه شده به نحوی که با اشتغال به کار سابق یا کار دیگر فقط قسمتی از درآمد خود را بدست آورد.

در اینجا دایره ماده یک و شخص بند یک ماده دو به بیمه شده محدود می‌گردد. چه کسی می‌تواند بیمه شده باشد؟ آنکه به کار اشتغال دارد و حق بیمه را می‌پردازد و طبق ماده ۹۰ قانون تأمین اجتماعی قابلیت و استعداد جسمانی متناسب با کارهای مرجوع را داشته باشد در همین جا محدودیت‌های اشتغال و حمایت معلولین کمی رخ می‌نماید و کارفرمایان از بکارگیری افراد معلول خصوصاً معلولیت‌های ناشی از بیماری خودداری می‌کنند.

بدین قرار مشمولین تأمین اجتماعی را افراد سالم جامعه تشکیل می‌دهد و معلولین از کلیت قانون مذکور خارج هستند با دقت در آئین نامه اجرایی قانون اصلاح بند ب و تبصره ۳ ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۶۵/۶/۳۰ به تأکیدی صریح در این امر بر می‌خوریم تبصره ماده ۴ آئین نامه اجرائی قانون مذکور مقرر می‌دارد «درخواست متقاضیان حمایت‌های بند ج (از کار افتادگی) این ماده در صورتی پذیرفته خواهد شد که از سوی مراکز درمانی اعلام شده توسط این سازمان از کار افتاده کلی شناخته شوند و در اینجا تخصص ماده ۹۰ قانون تأمین اجتماعی تخصصی می‌شود زیرا براساس جدول درجه از کار افتادگی بر اثر حوادث و بیماریهای حرفه‌ای منضم به آئین نامه اجرائی کمیسیونهای پزشکی بدوی و تجدید نظر مصوب ۶۶/۳/۶ شورایی عالی تأمین اجتماعی افراد دارای ضایعات مصرح در آئین نامه که بیش از ۶۶٪ توانائی آنان را سلب نماید از حیطة حمایت قانون بیرون می‌مانند در این صورت اگر بیمه شده تأمین اجتماعی باشند و معلولیت و کاهش قدرت کار در این حالت رخ نماید که برحسب نوع آن از مستمری از کارافتادگی کلی یا جزئی برخوردار می‌شوند که در این حالت، مستمری پرداختی کفاف حداقل زندگی را نیز برای از کار افتاده نمی‌نماید و در غیر این صورت، اگر معلولی که از حیث پاهای دچار مشکل



حمایت حقوق کوه‌کان و دانش آموزان استثنایی

است برای اشتغال قیام نماید و یا از حیث دستها و چشمها مشکل دارد چنین کند مشمول درجات از کارافتادگی کلی آئین نامه مذکور است سلامت او با توجه به کار مرجوع، خود به خود منتفی می‌شود. چه بسیار معلولینی که از قوای بینائی بی‌بهره‌اند ولی از حیث شنیداری کامل هستند و می‌توانند در مواردی که نیازمند قوای مذکور است اشتغال یابند و از این حیث لازمست که از حمایت‌های قانونی بهره‌برند و یا فردی که از پاها دچار مشکل حرکتی است از سایر اندامهای خود و یا از قوای دماغی در بهره‌وری اجتماعی می‌تواند مؤثر و شاغل به شغلی شود که نیازمند استفاده از پاها نباشد و قص علی هذا. وقتی یک مهندس کامپیوتر دارای دوپای سالم از حیث بهره‌وری شغلی با یک مهندس کامپیوتر فاقد دویا تضادی ندارد، چرا از حیث حمایتی با یکدیگر متفاوت باشند؟

و لذا قوانین از این دست، خودترمزی است برای اشتغال معلولین و نوعی ایجاد محدودیت اجتماعی برای آنان است که توانائی هایشان در امور مشخص کمتر از سایرین نیست.

مهمترین عمل در حمایت معلولین بازپروری، تواناسازی و توان بخشی است که خود بودجه قابل توجهی را می‌طلبد. در سالیان اخیر شاهد بوده‌ایم که بخشهای غیر دولتی و سازمانهای غیر دولتی که به NGO تعبیر می‌شوند در این جهت اقدامات شایسته‌ای را به انجام رسانده‌اند و توانسته‌اند معلولین حسی و حرکتی را به کارآئی و بهره‌وری برسانند و جای آن دارد دولت با حمایت از این گونه سازمانها علاوه بر اینکه بار مسئولیت مستقیم خویش را کم می‌نماید از مشارکت مردمی در جهت اجرای اصول ۲۸ قانون اساسی بهره‌مند شود.

وضعیت خاص معلولین حسی و حرکتی و جسمی که به دلیل نقص عضو یا مختل شدن حرکت و اعصاب حسی اندامها دارای محدودیت حرکت هستند، می‌طلبد که از حیث حمایتی و بیمه‌ای همانگونه که در ماده یک قانون تامین اجتماعی تصریح گردیده تحت پوشش خاص حمایتی قرار گیرند و به وضعیت متفاوت آنان با اعضا سالم جامعه توجه شود و قوانین خاص بیمه‌ای به منظور حفظ یکی از حقوق مسلم افراد که اشتغال و حمایت‌های خاصه آن است فراهم آید.

مهمترین اقدام در این زمینه ایجاد تمایل در کارفرمایان و تشویق کارفرمایانی است که از این افراد استفاده می‌کنند، کارفرمایانی که با وجود ماده ۹۰ قانون تامین اجتماعی خصوصاً تبصره ۲ ماده ۶۶ آن که در صورت به کارگیری معلولین از خسارتی که به سازمان تامین اجتماعی وارد می‌شود آنان را ملزم به



همایش حقوق کوه‌گان و دانش آموزان استثنایی

جبران آن کرده است از بکارگیری افراد معلول مستعد و دارای توانایی به دلیل پرهیز از تبعات قانونی آن خودداری می‌ورزند اگر در این راستا از حمایت‌های قانونی بهره‌مند شوند، بلاشک از تبحر و تجربه و مهارت این افراد نیز بهره خواهد جست و هم جامعه از خدمات آنان منتفع می‌شود و هم معلولین خود را کل بر اجتماع تلقی نمی‌نمایند و بی‌نیاز از دیگران معاش خود را تأمین و در توسعه اقتصادی و سازندگی کشور خود را شریک می‌دانند.

به نظر می‌رسد همانگونه که به منظور تشویق و یا مساعدت، بعض صنایع و یا صنوف و یا حرفه‌های خاص معافیت‌های بیمه‌ای برای کارفرمایان در نظر گرفته شده است، همچون قانون معافیت کارفرمایان کارگاه‌های دارای کمتر از ۵ نفر کارگر از پرداخت حق بیمه.

اولاً: مؤسسات و سازمان‌های غیر دولتی که به حرفه آموزی، تواناسازی معلولین حسی و حرکتی می‌پردازند، از معافیت‌های خاص مالیاتی و بیمه‌ای با تقلیل ضرایب و نرخ بهره‌مند شوند.

ثانیاً: کارفرمایانی که از افراد معلول دارای قابلیت‌های خاص که توانائی آنها در انجام امر طی ضوابط خاصی تعیین گردیده از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما در مورد این افراد معاف شوند.

ثالثاً: در قوانین حمایتی استخدامی از جمله قانون کار و تأمین اجتماعی فصل خاصی با توجه به خصوصیات جسمی معلولین در باب اشتغال و حمایت‌های ناشی از آن گشوده شود.